

A Methodology for State Studies: Assessing the Appropriateness of Causal Layered Analysis for Futures Studies of the State

Abolfazl Delavari* 

Associate Professor, Department of Political
Sciences, Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Negar Ghanavati 

Ph.D. Candidate in Political Sciences,
Department of Political Science, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 17/06/2022

Accepted: 23/07/2022

Extended Abstract

Introduction

The state, as one of the most sophisticated social phenomena, has been a central focus of philosophers and scholars for centuries. From ancient times to the present, philosophical reflections and empirical research have produced an extensive and rich body of literature on the nature, typology, structures, functions, and evolution of the state. Despite numerous forward-looking studies—whether examining the state as a general form of social organization or in its various

ISSN:2476-2806

eISSN:2476-6828

* Corresponding Author: Delavari@atu.ac.ir

How to Cite: Delavari, A., Ghanavati, N., (2024). A Methodology for State Studies: Assessing the Appropriateness of Causal Layered Analysis for Futures Studies of the State. *State Studies*, 10(37), 171-202.

Doi: 10.22054/tssq.2024.68565.1269

manifestations across different societies and countries—it remains a vital area of inquiry that has consistently been on the research agenda. However, the related studies have largely adhered to conventional scientific approaches, such as positivism and interpretivism. While these methods have yielded valuable insights, they are often doomed to have been heavily influenced by ideological tendencies or theoretical preferences, leading to results that are not always accurate and desirable. As a different line of inquiry, the present research aimed to assess the appropriateness of causal layered analysis (CLA) for future studies of the state, hoping to capture its complex dimensions, characteristics, and transformations. As an effective analytical method, CLA has gained popularity in the Iranian scholarly community in recent years. However, the related studies sometimes display misunderstandings and oversimplifications in both the introduction and application of the method. In some cases, the ontological and methodological distinctions between the four layers of CLA are not properly considered, and the method is neither accurately presented nor applied. There are also instances where CLA is mentioned only in the title, while other methods are used in the body of the research. To address these shortcomings, the present study aimed to introduce CLA, highlight its distinct features and capabilities compared to other approaches in future studies and demonstrate its suitability for future studies of the state. The main research question is, how suitable is CLA for future studies of the state? The study also sought to address three sub-questions as follows: What are the components and techniques of CLA? How does CLA differ from other methods in future studies? And what capacities does CLA offer for future studies of the state?

Materials and Methods

As a descriptive inquiry, the current study intended to provide a detailed explanation of CLA, while also exploring the general characteristics of contemporary states. Additionally, it examined the

appropriateness of applying CLA to futures studies of the state. The data was collected from scientific documents, including books and articles, and analyzed through an inferential approach.

Results and Discussion

CLA was proposed to address the inadequacies of both evidential and interpretive approaches. It is based on the premise that human and social phenomena are highly complex, requiring at least four layers of investigation for a comprehensive understanding. The first layer, known as the litany, consists of the surface-level, everyday aspects of these phenomena, manifested in tangible dimensions and quantitative data. The second layer (the structural or systemic) covers more stable and general factors, including institutions, arrangements, and socioeconomic and political relations. The third is the discourse layer involving dominant worldviews and mentalities. Finally, the fourth layer (myths/metaphors) concerns the unconscious rooted in archetypes and myths. In CLA, each of these layers should be examined using a method appropriate to its nature. The first and second layers, being more objective, require objective data, quantitative methods, and statistical or structural analysis. In contrast, the third and fourth layers, which are more subjective, require qualitative data, interpretive strategies, and semantic analyses. Addressing all four dimensions and layers simultaneously, CLA has a great capacity for understanding both the current status and the objective and subjective factors influencing states' future, whether in general or within specific societies. The method offers a key advantage by encouraging researchers to move beyond one macro narrative to several different narratives, leading to a deeper and more reliable understanding of complex, multi-layered phenomena like political systems and states.

Conclusion

The application of CLA can offer valuable insights into the state's direction, trends, and prospects. However, this method primarily addresses broad prospective studies and lacks specific techniques and tools for depicting accurate scenarios of possible, probable, and preferable futures. To address this gap, it is essential to use complementary methods such as retrospection, morphology, and trend research, in conjunction with future thinking techniques like driver analysis, visioning, and scenario building.

Keywords: State studies, Methodology, Futures studies, Causal layered analysis, Litany, Structure, Discourse, Metaphor



روش‌شناسی دولت‌پژوهی؛ ارزیابی تناسب تحلیل علی لایه‌بندی شده (CLA) برای آینده‌پژوهی دولت

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ابوالفضل دلاوری *

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نگار قنواتی

چکیده

مطالعات و پژوهش‌های آینده‌نگر در باره دولت، غالباً در چارچوب نگرش‌های رایج علمی اعم از پوزیتیویستی و تفسیری صورت گرفته است. این مطالعات گرچه دستاوردهای ارزشمندی داشته اما آینده‌نگری‌های آن به شدت تحت تأثیر گرایش‌های ایدئولوژیک یا گزینش‌های تئوریک قرار داشته و چندان قرین صحت و مطلوبیت نبوده است. بر این اساس، مسأله اصلی این پژوهش روش مناسب برای مطالعات آینده‌نگرانه دولت است. از سوی دیگر تحلیل علی لایه‌ای در سال‌های اخیر در پژوهش‌های دانشگاهی ایران مورد اقبال قرار گرفته است. سوال مقاله این است که روش تحلیل علی لایه‌ای تا چه حدی برای آینده‌پژوهی دولت مناسب است؟ در این پژوهش با استفاده از توصیف عمیق، مولفه‌ها و تکنیک‌های روش C.L.A. را بر اساس منابع دست اول مبدع این روش (سهیل عنایت‌الله) شناسایی و سپس با توجه به ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های دولت‌ها در جهان امروز به این سوال پاسخ داده شد. یافته‌های پژوهش این بود که روش با توجه هم‌زمان به ابعاد و لایه‌های متعدد پدیده‌های پیچیده و چندلایه دارد برای شناخت وضعیت موجود دولت مناسب است. با وجود این، روش مزبور عملاً در همین سطح از مطالعات آینده‌نگرانه دولت متوقف می‌شود؛ زیرا به خودی خود فاقد تکنیک‌ها و ابزارهای خاص برای ارائه تصویرهای دقیق از روندهای آتی، آینده‌های ممکن و محتمل و به‌ویژه ترسیم آینده‌های مطلوب دولت است و در این مورد نیازمند روش‌های مکمل نظیر پس‌نگری، ریخت‌شناسی و روندپژوهی همچنین نیازمند تکنیک‌های آینده‌نگر نظیر ااکاوی پیشران‌ها، چشم‌انداز سازی و سناریو سازی است.

واژگان کلیدی: دولت‌پژوهی، روش‌شناسی، آینده‌پژوهی، تحلیل علی لایه‌بندی شده، لیتانی، ساختار، گفتمان، استعاره.

مقدمه

دولت به عنوان یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی از قرن‌ها پیش مورد توجه متفکران و دانشمندان بوده است. تأملات فلسفی و مطالعات تجربی از دوران باستان تا کنون ادبیات حجیم و بسیار غنی در باره چیستی، گونه‌شناسی، ساختارها، کارکردها و تحولات دولت فراهم آورده و در اختیار ما قرار داده است. با وجود این مطالعات و پژوهش‌های آینده‌نگر در باره دولت، چه به طور کلی و به عنوان شکلی از ساماندهی زندگی اجتماعی، چه در جلوه‌ها و اشکال گوناگون آن در این یا آن نقطه از جهان امروز، موضوعی است که گرچه از دستور کار اندیشیدن و پژوهیدن خارج نبوده اما کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. اندک بررسی‌های موجود نیز غالباً در چارچوب نگرش‌های رایج پوزیتیویستی اعم از کارکردگرایانه یا ساختارگرایانه صورت گرفته است. مطالعات کارکردگرایانه دولت، به ویژه در دهه ۱۹۶۰ معمولاً به فرایندهائی چون نوسازی سیاسی یا دموکراتیک سازی محدود مانده است.

آثار ساختارگرایانه دهه ۱۹۷۰ از نقش بازتولید کننده دولت در دموکراسی‌های لیبرال سخن بحث کرده و تداوم نظام سرمایه داری را به این نقش دولت منتسب می‌سازند (بنگرید به: polantzas, 1968, 1978, Milliband 1969) اما از دهه ۱۹۸۰ که دولت‌های مدرن در بازتولید نظم سرمایه داری و دموکراتیک با بحران‌های عمیقی مواجه شدند (Offe, 1984) همچنین هنگامی که در دهه ۱۹۹۰ فرایندهای موسوم به جهانی شدن جلوه‌های بیشتری از گسترش و تعمیق خود را نشان دادند، این تصور در میان دولت‌پژوهان پیدا شد که گویا عصر دولت‌ها، به ویژه در قالب دولت - ملت در حال پایان یافتن است (Oommen, 1997; Manbach, 2005) درحالی که به ویژه در دو دهه اخیر ما شاهد پررنگ‌تر شدن نقش‌ها و کارکردهای دولت از جمله در قالب بازگشت به نوعی ناسیونالیسم در بسیاری از کشورها از جمله در اروپای غربی هستیم.

به هر حال مطالعات دولت طی چند دهه اخیر با نارسائی‌هایی مواجه است. یکی از مشکلات موجود بر سر راه دولت‌پژوهی کمبود روش‌های مناسب است؛ روش‌هایی که بتواند ابعاد و لایه‌های متعدد این پدیده پیچیده را همزمان مورد توجه و بررسی قرار دهد.

روش تحلیل علی لایه‌بندی شده^۱ یکی از جدیدترین، جامع‌ترین و جذاب‌ترین رویکردهای آینده‌پژوهی است که طی دو دهه اخیر مطرح و در مطالعات اجتماعی و سیاسی مختلفی بکار گرفته شده است.^۲ حرکت در فراسوی تحقیقات متعارف و گذر از سطوح ظاهری امور و پدیده‌های انسانی و اجتماعی مهم‌ترین مزیت این روش در مقایسه با دیگر روش‌های آینده‌پژوهی است. این رویکرد در پی رفع تقلیل‌گرایی اثبات‌گرایان و اغراق تفسیرگرایان در مورد جایگاه و اهمیت عاملیت انسانی است. با توجه به ابعاد، ویژگی‌ها و دگرگونی‌های نظام سیاسی و دولت از یک سو و ظرفیت‌های روش تحلیل علی لایه‌بندی شده از سوی دیگر مساله اصلی این پژوهش عبارت از تناسب این روش برای مطالعات آینده‌نگرانه دولت است.

پیشینه پژوهش

تحلیل علی لایه‌ای در سال‌های اخیر در پژوهش‌های دانشگاهی ایران نیز مورد اقبال قرار گرفته است (خزائی، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴؛ قانیدی و گلشنی، ۱۳۹۴؛ پیش قدم، فیروزیان پوراصفهان‌ی و طباطبائی فارانی، ۱۳۹۳). با وجود این، در این پژوهش‌ها گاه شاهد بدفهمی‌ها، ساده‌سازی‌ها و اشکالاتی در معرفی و کاربرد این روش هستیم. در برخی از

Causal Layered Analysis

۲ برای مثال بنگرید به:

- A New Paradigm for Understanding the Roots of the Conflict in Darfur
MS Golub - International Relations, 2016
- Using causal layered analysis to explore the relationship between academics and administrators in universities
M Conway - Journal of Futures Studies, 2012
- Unpacking images of China using causal layered analysis
J Hoffman - Journal of Futures Studies, 2012
- The metaphors of globalization: A multi-layered analysis of global youth culture
J Gidley - 2004 - researchbank.rmit.edu.au
- Causal layered analysis as pedagogy in studies of science and technology
D Turnbull, A Ipwich - Journal of Futures Studies, 2006
- Implementing a Student-Centered Learning Approach at Vietnamese Higher Education Institutions: Barriers under PTH Thanh - Journal of Futures Studies, 2010
- Giving hope back to our young people: Creating a new spiritual mythology for Western culture
J Gidley - Journal of Future Studies, 2005 - researchbank.rmit.edu.au

این پژوهش‌ها اصولاً تمایزات هستی‌شناختی و روش‌شناختی میان لایه‌های چهارگانه این رویکرد مورد توجه قرار نگرفته و صورت‌بندی دقیقی از این روش چه در ارائه و چه در کاربرد دیده‌نمی‌شود (برای نمونه بنگرید به: قائدی و گلشنی، ۱۳۹۴).

در مواردی این روش را صرفاً در عنوان پژوهش می‌بینیم ولی در متن آن پژوهش شاهد کاربرد روش‌های دیگری هستیم. برای نمونه در یکی از این پژوهش‌ها آنچه در متن دیده می‌شود روش دلفی است و هیچ اثری از دیگر روش‌ها متناسب با لایه‌های متعدد پدید آمده مورد بررسی دیده نمی‌شود (بنگرید به: خزائی و همکاران، ۱۳۹۴) سرانجام این که در مواردی، موضوع و مسأله پژوهش اصولاً فاقد مشخصه‌هایی متناظر با روش تحلیل لایه‌ای - است. برای مثال در یکی از این پژوهش‌ها ادعا شده که از این روش برای آینده‌پژوهشی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان استفاده شده است. این درحالی است که موضوع این پژوهش از لحاظ هستی‌شناختی (انتولوژیک) هیچ تناظر و نسبتی با منطق روش تحلیل لایه‌ای ندارد و گویا این عنوان صرفاً از باب تفنن به چنین روشی داده شده است؛ به ویژه این که در متن این پژوهش نیز هیچ اثری از کاربرد مراحل و تکنیک‌های روش تحلیل علی لایه‌ای دیده‌نمی‌شود و پژوهشگران به تضریح خود صرفاً به گردآوری نظر خبرگان و صاحب‌نظران از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته اکتفا کرده‌اند (بنگرید به: پیش قدم و همکاران، ۱۳۹۳).

در مجموع به نظر می‌رسد علاوه بر مشکلاتی که در برخی از پژوهش‌های دانشگاهی ایران در مورد فهم روش تحلیل علی لایه‌بندی شده وجود دارد، در بسیاری از این گونه پژوهش‌ها موضوع تناظر هستی‌شناختی و روش‌شناختی لحاظ نشده است. مفروض نظری این پژوهش این است که اصولاً هر روشی را نمی‌توان برای هر موضوع و مسأله‌ای به کار گرفت بلکه لازم است تناسب و تناظر کافی میان روش مورد نظر و ویژگی‌های هستی - شناختی موضوع پژوهش وجود داشته باشد.

پرسش پژوهش

بر اساس آنچه گفته شد، این پژوهش در صدد پاسخ به این سوال است که: روش تحلیل علی لایه‌ای تا چه حدی برای مطالعات و پژوهش‌های آینده‌نگر دولت‌ها مناسب است؟ برای تسهیل پاسخ به این سوال، به چهار سوال فرعی زیر پاسخ می‌دهیم: ۱ - مولفه‌ها و

تکنیک‌های روش تحلیل علی لایه‌ای چیست؟ ۲- تمایزات روش تحلیل علی لایه‌ای با دیگر روش‌های آینده‌پژوهی چیست؟ ۳- پدیده دولت، در شکل و محتوای امروزی آن چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۴- روش تحلیل علی لایه‌ای برای آینده‌پژوهی دولت از چه ظرفیت‌هایی برخوردار است؟

روش پژوهش

در این پژوهش کوشش خواهد شد با استفاده از روش توصیف عمیق و تناظریابی منطقی به این سوالات پاسخ داده شود. به این منظور، در وهله نخست روش تحلیل علی لایه‌ای با استفاده از منابع اصیل، به‌ویژه آثار متعدد سهیل عنایت‌الله و برخی دیگر از شارحان و منتقدان این روش با دقت معرفی خواهد شد. سپس ویژگی‌های هستی‌شناختی دولت مورد اشاره قرار خواهد گرفت و سرانجام، ظرفیت‌ها و مزیت‌های این روش برای بررسی دولت و مسائل آن مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

پیدایش و مولفه‌های روش تحلیل علی لایه‌بندی شده

زمینه‌های پارادایمی

یک باور رایج در جامعه علمی معاصر این است که تحلیل علی (تبیین) خاص علوم طبیعی و تحلیل تفهیمی (تفسیر)^۲ خاص علوم اجتماعی است. البته کم نیستند پژوهشگرانی که معتقدند هر دو نوع تحلیل را می‌توان در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار داد. تفاوت میان تبیین و تفسیر به چگونگی دستیابی به توضیح مقبول ارتباط دارد. تبیین به معنی شناسایی علل و عوامل رویدادها و پدیده‌ها، همچنین توضیح سازوکارها و توالی‌هایی است که آن علل و عوامل موجب این رویدادها و پدیده‌ها می‌شوند. تفسیر اما عبارت از تلاش برای کشف معانی، تعبیر و یا دلایل کنشگران در مورد رفتارها و کردارهایشان است؛ چه این معانی و دلایل به صراحت از سوی کنشگران اجتماعی به آن رویداد یا فعالیت داده شده باشد و چه پژوهشگران آن‌ها را از تعبیر کنشگران اجتماعی استنتاج کرده باشند. به عبارت دیگر، «تفسیر» معطوف به شناخت معنای یک رویداد یا فعالیت در یک متن

1 Explain

2 Interpretation

اجتماعی خاص است. تبیین آنگاه صورت می‌گیرد که پژوهشگران پدیده‌ها را از «بیرون» مشاهده و بررسی می‌کنند، درحالی‌که تفسیر نتیجه فهم پژوهشگران «از درون» کنشگرانی است که عملاً درگیر آن پدیده و یا رویداد هستند (بلیکی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

البته تحلیل‌ها منحصر به دو نوع بالا نیستند. نورمن بلیکی^۱ چهار استراتژی تحلیلی «استقرایی» (تجربی)، «قیاسی» (منطقی)، «واپس‌کاوی» (ساختاری) و «استفهامی» (تفسیری) را از یکدیگر متمایز می‌سازد. او مبانی، ویژگی‌ها و دستاوردهای هر یک از این استراتژی‌ها را در جدول زیر خلاصه می‌کند:

جدول ۱: استراتژی‌های پژوهشی

استقرایی	قیاسی	واپس‌کاری	استفهامی
اثبات تعمیم‌های عامی که همچون الگوهای تبیین به کار می‌آیند	آزمون نظریه‌ها برای حذف نظریه‌های غلط و پذیرش موقت نظریه‌های ابطال نشده	کشف مکانیسم‌های زیر بنایی برای تبیین قواعد مشاهده‌شده	توصیف و فهم زندگی اجتماعی بر اساس انگیزش‌ها و تعابیر کنشگران اجتماعی
انباشتن مشاهدات یا داده‌ها تعمیم دهی	اقتباس یا برساختن یک نظریه و بیان آن به صورت یک استدلال استنتاج فرضیه‌ها	ثبت و مدل‌سازی یک قاعده برساختن مدل فرضی یک مکانیسم	کشف مفاهیم، معانی و انگیزش‌های روزمره عامیانه پروراندن تعبیری فنی از مفاهیم عامیانه
استفاده از این قوانین به مثابه الگوهایی برای تبیین مشاهدات بعدی	آزمون فرضیه‌ها از طریق مقایسه آن‌ها با داده‌ها	یافتن مکانیسم واقعی با مشاهده و آزمایش	پروراندن یک نظریه و آزمون مکرر آن

بلیکی با استفاده از تمثیل «دانشمندان فضائی»^۱ سعی می‌کند نشان دهد که در علوم انسانی و اجتماعی، استراتژی چهارم (استفهامی) تناسب و کارایی بیشتری دارد. البته باید به این نکته توجه داشت که در ذیل هر یک از استراتژی‌های مزبور، روش‌ها و تکنیک‌های متعددی جای می‌گیرند. برای مثال، روش‌های آزمایشی و پیمایشی را می‌توان در ذیل استراتژی استقرائی؛ روش‌های ریاضی و برهانی را در ذیل استراتژی قیاسی؛ روش‌های تحلیل ساختاری و تحلیل گفتمانی را در ذیل استراتژی واپس‌کاوی و روش‌های تحلیل روایت و هرمنوتیک را در ذیل استراتژی استفهامی جای داد.

پژوهش‌های متعارف و رایج در علوم اجتماعی، معمولاً بر یکی از روش‌ها و استراتژی‌های بالا استوارند. از این میان، پژوهش‌های آینده‌نگر تا اواخر سده بیستم میلادی غالباً بر داده‌های عینی (ظاهری) و روش‌های کمی متکی بودند. این در حالی بود که به موازات زیر سؤال رفتن اعتبار و راهگشایی پژوهش‌های کمی در علوم اجتماعی و انسانی، شاهد ظهور نحله‌هایی در این حوزه از علوم بودیم که یا اصولاً اعتبار شناخت‌های علمی و سودمندی پژوهش‌های مبتنی بر روش‌های کمی را تخطئه می‌کردند و یا صرفاً بر ابعاد فراعینی امور اجتماعی و انسانی (زبان، ذهن، نظام‌های معنا و...) و کاربرد روش‌های کیفی (تفسیر، تحلیل گفتمان، تحلیل روایت و...) متمرکز بودند.

در هر صورت، سهیل عنایت‌الله که با نگاهی نقادانه شاهد مناقشات و اختلافات مذکور بود، به این باور رسید که در پژوهش‌های اجتماعی و انسانی، اتکاء به روش‌های کمی ناکافی؛ اما غفلت از آن نیز خطرناک است. او از یک سو تصریح کرد که «بررسی‌های عینی و کمی صرفاً شناخت سطوح ظاهری و دستیابی به پیش‌نگری‌های اولیه را ممکن می‌سازد. بنابراین، اکتفا به این نوع از بررسی‌ها، به‌ویژه در پژوهش‌های آینده‌نگر گمراه‌کننده است». او که متأثر از مایکل شیپرو و میشل فوکو^۲ بود از نخستین نوشته‌های خود به‌ویژه در مقاله «تحلیل علی لایه‌ها: فراساختارگرایی به‌مثابه روش» (Inayatullah,

۱ در این تمثیل به گروهی از دانشمندان اشاره می‌شود که از سیاره‌ای دیگر برای شناخت رفتار و کردار انسان‌های زمینی آمده‌اند و هر گروه از آن‌ها یکی از این چهار استراتژی را به کار می‌گیرند. اما فقط استراتژی چهارم (استفهامی)، که بر اساس پرسش از خود انسان‌ها در مورد معنای رفتارهایشان طراحی شده، موجه و مقبول از کار درمی‌آید.

(1998) شناخت فراساختارگرایانه را مکملی بسیار ضروری برای روش‌های پژوهشی می‌دانست. او تأکید می‌کرد که «در بررسی‌های علمی، پابندی به سنت تجربی و تعهد به بررسی‌های کمی و نتایج تجربی نیز امری ضروری است» (inayatullah, 2009: 19). چنین موضعی عنایت‌الله را به‌سوی طرح یک روش جدید در مطالعات آینده‌نگری سوق داد. او کوشید روشی ابداع کند که با کاربرد آن بتوان به شناخت معتبرتر و دقیق‌تری از وضعیت جاری، روندها، چشم‌اندازها و آینده‌های پدیده‌ها و امور انسانی و اجتماعی دست یافت.

مفروضه‌های هستی‌شناختی روش تحلیل علی لایه‌بندی شده

عنایت‌الله طراحی روش خود را از این مفروضه هستی‌شناختی آغاز کرد که پدیده‌ها و امور انسانی و اجتماعی لایه‌های متعدد و متفاوتی دارند که از ابعاد عینی و لایه‌های آشکار آغاز می‌شود و تا ابعاد ذهنی و لایه‌های پنهان بسط می‌یابد. شناخت هر یک از این ابعاد لایه‌ها، بنا به سرشت متفاوتی که دارند مستلزم کاربرد روش‌های متفاوتی است. او چهار لایه را برای امور و پدیده‌های اجتماعی و انسانی شناسایی کرد. نخست، لایه ظاهری (Litany)^۱ که شامل جنبه‌های آشکار و قابل مشاهده وضعیت جاری امور و پدیده‌هاست. دوم لایه «ساختاری» (Structural) که شامل روابط پایدار و انتزاعی‌تری است که میان ابعاد مختلف یک پدیده و یا میان یک پدیده با دیگر پدیده‌ها وجود دارد. سوم لایه گفتامی (Discourse)، که به منظر شناختی (جهان‌بینی)، باورها و نظام‌های معنایی گروه‌ها و جوامع مورد بررسی مربوط است. چهارم، لایه استعاری (Metaphoric) که

^۱واژه «لیتانی» در زبان لاتین و فرهنگ مسیحی به مراسم دعا و مناجات دسته‌جمعی گفته می‌شود اما از لحاظ واژه‌شناسی با واژه Literary (که به معنای «سواد» خواندن و نوشتن کلمات و اعداد است) و همچنین با واژه Literal (که به معنای ظاهری متون دلالت دارد) مرتبط است. به نظر می‌رسد عنایت‌الله در اینجا به هر دو معنای مورد اشاره نظر دارد. زیرا او در روش ابداعی خود مرحله لیتانی را معرف ابعاد ظاهری و برداشت‌های عمومی و پذیرفته شده از واقعیت می‌داند. به عبارت دقیق‌تر، عنایت‌الله این مرحله از فرایند پژوهش را شامل گردآوری و تحلیل آن دسته از داده‌ها و اطلاعات مربوط به ابعاد ظاهری و جاری امور و پدیده‌ها می‌داند که اغلب به‌صورت آمار و ارقام آن هم در متون و نوشتارهای رایج نظیر روزنامه‌ها دیده می‌شود و افراد معمولی غالباً فقط قادر به شناخت این لایه از امور اجتماعی هستند.

گرایش‌ها و نیروهای پنهان در روح جمعی گروه‌ها و جوامع مورد بررسی، نظیر کهن - الگوها، اسطوره‌ها و نمادهای جمعی را در بر می‌گیرد.

ابعاد و مولفه‌های روش تحلیل علی لایه‌بندی شده

عنایت‌الله بر اساس هستی‌شناسی مزبور به این نتیجه می‌رسد که برای شناسایی روندها و احتمالات آینده در امور و پدیده‌های اجتماعی و انسانی، باید همه ابعاد و لایه‌های نامبرده مورد بررسی قرار گیرد زیرا کاربرد یک رویکرد روش‌شناختی چه از نوع کمی و چه کیفی، برای چنین شناختی کفایت نمی‌کند. بنابراین لازم است متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای هر لایه، روش‌ها و تکنیک‌های خاصی به کار گرفته شود. او تصریح می‌کند که دو لایه لیتانی و سیستمی که با جلوه‌های عینی‌تر امور ارتباط دارد، نیازمند گردآوری داده‌های عینی و کاربرد روش‌های کمی است اما در لایه‌های سوم و چهارم، پژوهشگر ناچار است با استفاده از روش‌های کیفی به دلالت‌ها و نظام‌های معانی نهفته در ذهنیت فرهنگ‌کشگران و گروه‌های اجتماعی درگیر در موضوع دست یابد (Inayatullah, 2007: 1).

عنایت‌الله روش ابداعی خود را آموزش عملی پیش‌بینی می‌داند که در قیاس با روش‌های مبتنی بر داده‌های کمی، به دلیل تأکید همزمان بر شناخت نظام‌های هدایت‌کننده آن داده‌ها و نیز اسطوره‌ای پنهان، بسیار معتبرتر است (Inayatullah, 2006: 656-600). او روش خود را به «کوه یخ» تشبیه می‌کند و بر این باور است که تجزیه و تحلیل آن بخش از مسئله که آشکار است و به بررسی تجربی و کمی تن می‌دهد، فقط مقدمه‌ای برای شناخت مسئله است. بنابراین، در صورتی می‌توان به شناسایی روندها و راه‌حل‌ها و چشم - اندازهای آینده آن مسئله دست زد که لایه‌های پنهان و کلیت آن مسئله در یک فرایند پژوهشی تعمیق‌یابنده و بازبینانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد (Inayatullah, 2004 a: 2). او همچنین این روش را یک ابزار جامعه‌شناختی می‌داند که لایه‌های عمیق آن برای باز کردن لایه پنهان واقعیت و امکان شناخت رویدادهای آتی ضروری است (Inayatullah, 2004 b: 14).

روش تحلیل علی لایه‌ها به‌رغم مفروضه‌های هستی‌شناختی‌اش اصولاً دغدغه و هدف هستی‌شناختی ندارد بلکه بیشتر بر ابعاد کنش‌شناسی متمرکز است. به عبارت دقیق‌تر هدف این روش این است که نشان دهد سوژه‌های انسانی و بازیگران اجتماعی تحت تأثیر چه موقعیت‌ها، ادراکات و ذهنیت‌هایی، چگونه و در چه جهتی بر روند رویدادها و تحولات و آینده‌های احتمالی وضعیت موجود اثر می‌گذارند. بنابراین، از لحاظ گونه‌شناسی این روش را می‌توان در زمره روش‌های پیش‌بینی اکتشافی (در مقابل پیش‌بینی هنجاری) تلقی کرد.

مراحل و تکنیک‌های روش تحلیل علی لایه‌بندی شده

همان‌طور که اشاره شد این روش بر این مفروضه استوار است که پدیده‌ها و امور اجتماعی از چهار لایه یا چهار لایه از عوامل و متغیرها متأثرند و لازم است هر یک از سطوح و لایه‌ها با روش‌ها و تکنیک‌های خاصی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. روش‌ها و تکنیک‌های مربوط به هر یک از این سطوح و مراحل چهارگانه به شرح زیر است:

لایه لیتاتی

این‌لایه به عینی‌ترین و آشکارترین ابعاد و لایه‌های موضوع و مسئله، یعنی اطلاعات و داده‌های موجود و غالباً ثبت شده، تفسیرهای رسمی و رایج در رسانه‌ها و همچنین روندها و چشم‌داشت‌های پذیرفته شده درباره امور و پدیده‌های مورد بررسی مربوط است. بنابراین، بررسی این‌لایه کار چندان دشواری نیست گرچه لازم است با استفاده از روش‌های تجربی و کمی و تکنیک‌های آماری مناسب به گردآوری و تحلیل دقیق این اطلاعات و داده‌ها دست زد و روندها و چشم‌اندازهای برآمده از آن‌ها را بازشناسی کرد (عنایت‌الله، ۱۳۸۸: ۲۲۶ و ۴: 2009, inayatullah).

لایه ساختاری

در این‌لایه، لایه عمیق‌تری از واقعیات مشهود، یعنی زمینه‌ها و عوامل شکل‌دهنده و یا مؤثر بر شکل‌گیری واقعیات‌های جاری بررسی و تحلیل می‌شوند. هدف اصلی این مرحله، فهم ارتباط و پیوستگی واقعیات مشهود با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و

تاریخی است. البته این تحلیل از منظری سیستمی و با توجه به روابط متقابل میان متغیرها، آن‌هم در بستر تاریخی‌شان صورت می‌گیرد. در این مرحله، پژوهشگر همچنان نیازمند استفاده از داده‌های عینی و روش‌های تجربی است اما این داده‌ها بر اساس مبانی نظری خاص و فرضیه‌های مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین دانش حاصل از این مرحله از نوع علمی - تخصصی و معطوف به شناخت علل و عوامل نه‌چندان آشکار دخیل در شکل‌گیری و دگرگونی پدیده مورد نظر است (inayatullah, 2008: 12).

لایه گفتمانی

این لایه از تحلیل، به بازبینی انتقادی یافته‌های مرحله دوم اختصاص دارد. به عبارت دیگر، در این مرحله، آینده‌پژوهان چارچوب‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر مرحله دوم پژوهش را زیر سؤال می‌برند و پرسش‌هایی از این نوع را مطرح می‌کنند که: آیا واقعاً و صرفاً همان علل و عواملی که در مرحله دوم شناسایی شده‌اند در ایجاد روندها و رویدادها دخالت داشته‌اند یا علل و عوامل بنیادی‌تری نیز وجود دارند؟ یافته‌های مراحل قبلی تا چه حدی واقعیت را نشان می‌دهند و تا چه حدی متأثر از پیش‌فرض‌ها، باورها، منظرها و منویات پژوهشگر بوده‌اند؟

البته طرح این پرسش‌ها به معنای نفی اهمیت و یافته‌های مراحل پیشین پژوهش نیست، بلکه کوششی است برای درک عمیق‌تر موضوع. در اینجا است که آینده‌پژوهان بازهم در لایه‌های عمیق‌تر موضوع پیش می‌روند و عملاً وارد تفکر پساساختاری و فضای آینده‌پژوهی انتقادی می‌شوند. هدف این‌لایه از تحلیل این است که نشان داده‌شود چگونه پارادایم‌های علمی و گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی (و به عبارت ساده‌تر، جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، موقعیت‌ها و منافع اجتماعی و سیاسی) واقعیت‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری‌های مربوط به آن‌ها را برمی‌سازند (عنایت‌الله، ۱۳۸۸: ص ۲۲۶).

به این ترتیب، می‌توان گفت لایه سوم تحلیل به بررسی انتقادی عوامل مشروعیت بخش و پشتیبانی‌کننده ساختارها، یعنی جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها مربوط است و حاصل این مرحله از آینده‌پژوهی، درک برخی علل و عوامل عمیق‌تر ناشی از ذهنیت‌ها، منویات و منافع گروه‌های مرتبط با موضوع مورد بررسی است؛ به عبارت دیگر در سطح تحلیل گفتمانی دلایل تاریخی عمیقی که مؤثر بر شکل‌گیری وضعیت جاری و زمینه‌های ساختاری آن

بوده، مورد بررسی قرار می‌گیرد. آینده‌پژوه با استفاده از یافته‌های این مرحله، یعنی توجه به زمینه‌های گفتمانی و دلایل ادراکی مؤثر بر وضع موجود، به شناخت عوامل ذهنی و فکری دخیل در آینده‌های احتمالی دست می‌یابد (مقدم، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

لایه اسطوره‌ای

در لایه چهارم، یافته‌ها و الگوهای به‌دست‌آمده از مراحل پیشین به‌صورت عمیق‌تری واکاوی می‌شوند و ضمن آشکار ساختن بنیان آن‌ها، امکان تغییر در روندها و رخداد‌های آینده‌های محتمل به بحث گذاشته می‌شود. این لایه ناظر بر فهم اسطوره‌ها و استعاره‌هاست. این اسطوره‌ها و استعاره‌ها به شیوه‌ای ناخودآگاه به شکل‌گیری جهان‌بینی و گفتمان مسلط (که خود به وجود آورنده لایه بندی شده‌ی اجتماعی و مسائل عینی هستند) کمک می‌نمایند. عنایت‌الله می‌گوید که تحلیل اسطوره‌ها نشان می‌دهد که چگونه بطن‌های عمیق و پنهان روح و روان فردی و جمعی، درک ما را از شرایط حال شکل می‌دهند (inayatullah, 2007: 125).

در این لایه، از یک‌سوزمینه‌های تمدنی شکل‌دهنده به گذشته، حال و آینده بازنمایی می‌شود و از سوی دیگر، با شالوده‌شکنی استعاره‌های متعارف و عرصه استعاره‌های بدیل، زمینه مناسبی به‌منظور نقد حال و خلق آینده‌های بدیل فراهم می‌گردد؛ به‌عبارت‌دیگر، فهم استعاره‌ها و اسطوره‌های یک جامعه نه فقط روندهای عمیق تمدنی شکل‌دهنده به یک آینده خاص را آشکار می‌سازد، بلکه با ردیابی عوامل ناخودآگاه و اسطوره‌ای، امکان خلق آینده‌های مطلوب‌تر را نیز فراهم می‌آورد.

جدول ۲ ابعاد و مختصات کلی رویکرد تحلیل علی لایه بندی شده را نشان می‌دهد.^۱

۱ در تنظیم این جدول از مطالب پراکنده در آثار عنایت‌الله و برخی از مفسران آیین آثار استفاده شده است اما مقوله‌ها، مفاهیم و نمونه‌های مربوطه توسط نگارندگان مقاله بسط یافته و تکمیل شده است.

جدول ۲: مشخصه‌های رویکرد تحلیل علی لایه‌ها

منابع اطلاعات و داده‌ها	نیروهای دخیل در حل مسئله	راه حل مسئله	روش‌های بررسی و فنون تحلیل	مسئله تحلیل	لایه‌ها و موضوع تحلیل
بانک‌های اطلاعاتی و بایگانی‌های اداری، رسانه-های عمومی	دولت و نهادهای سیاست‌گذاری عمومی	رویکردهای کوتاه‌مدت برای مهار مسئله	کمی - آماری (کشف همبستگی‌های ساده)	ناهنجاری اجتماعی روزمره: ازدیاد جمعیت، کمبود منابع کج‌روی اجتماعی و...	لیتانی (پدیده‌های رفتاری)
پژوهش‌های علمی و دانشگاهی	دولت، نخبگان سیاسی، جامعه مدنی و سازمان‌های مردمی	رویکردهای میان‌مدت و نظام‌مند و یکپارچه	کمی - تئوری بنیان (کشف روابط علی و تأثیرات متقابل)	تعارضات و نابسامانی‌های عمومی: فقر، فساد، نابرابری، خشونت و ...	سیستمی (پدیده‌های ساختاری)
کتاب‌ها و نشریات انتقادی و کانون‌های فکری حاشیه-ای	متفکران، دانشمندان، نظام آموزش‌وپرورش	بازاندیشی آگاهانه در منظرها، پیش‌فرض‌ها و جهانبینی‌ها	کیفی، تفسیری و تحلیل گفتمان	تعارضات فرهنگی - ایدئولوژیک و مخاصمات فرقه‌ای - سیاسی	گفتمانی (پدیده‌های فرهنگی و فکری)
آثار ادبی، هنری، کتاب-های درسی، مراسم و آیین‌های جمعی و...	هنرمندان، رهبران دینی و معنوی، متفکران و چشم‌انداز پردازان	شالوده شکنی و نقد روایت‌ها و اسطوره‌های مسلط و خلق روایت‌ها و اسطوره‌های بدیل	کیفی، تفسیری، روانکاوی جمعی	خصایل و گرایش‌های نامطلوب عمومی، نژادپرستی و فرقه‌گرایی، توهمات و ناکامی‌های ملی	استعاری (اسطوره‌ها، نمادها، آیین-ها)

ارزیابی ظرفیت‌های روش تحلیل علی لایه‌بندی‌شده در آینده‌پژوهی

همچنان‌که «کریس رییدی»^۱ یادآور می‌شود روش عنایت‌الله با تفاوت‌هایی اندک، یادآور «نظریه انتگرال»^۲ کن ویلبر^۳ است. در آن نظریه، هستی‌ها و رفتارهای انسانی در چهار حوزه (کوادرنت)^۴ نشان داده می‌شود که از دو محور فردی/جمعی و درونی/بیرونی استنتاج شده است. بخشی از این هستی‌ها و رفتارها به حوزه فردی-درونی، بخشی به حوزه فردی-بیرونی، بخشی به حوزه جمعی-درونی و بخشی دیگر به حوزه جمعی-بیرونی مربوط‌اند.

شکل ۴: چهار کوادرنت در نظریه انتگرال کن ویلبر

فردی

فردی - درونی (Individual Interior)	فردی - بیرونی (Individual Exterior)
نیت مندی-روانشناختی (ارزش‌ها، خود و آگاهی)	رفتاری
درونی	بیرونی
فرهنگی (اسطوره، استعاره، نمادها، جهان بینی)	سیستمی/اجتماعی (فنی، اقتصادی، زیست محیطی، نهادهای اجتماعی)
جمعی - درونی (Collective interior)	جمعی - بیرونی (Collective exterior)
	جمعی

Sours: Chris, 2008: 152

Chris Riedy
Integral theory
Ken Wilber

۴ Quadrant به معنای یک قطاع ۹۰ درجه‌ای (یک چهارم) از یک دایره است.

صرف نظر از منبع الهام یا وام‌گیری روش تحلیل علی لایه‌بندی شده، همان‌طور که در آغاز مقاله اشاره شد، این روش پاسخی به مناقشه‌های طولانی میان نگرش‌ها و روش‌های اثباتی و تفسیری در علوم اجتماعی و کوششی برای نزدیک کردن این دو اردوگاه به یکدیگر بود. عنایت‌الله روش خود را راهی برای پرهیز از تقلیل‌گرایی اثبات‌گرایان در یکسان‌انگاری پدیده‌های انسانی با پدیده‌های طبیعی از یک‌سو؛ و اجتناب از اغراق‌گرایی تفسیرگرایان در مورد نقش عاملیت انسانی از سوی دیگر می‌داند. با وجود این، او کاربرد روش پیشنهادی خود را مستلزم استفاده از ظرفیت‌ها و دستاوردهای هر دو رویکرد اثباتی و تفسیری می‌داند. البته او تصریح می‌کند که روش او ترکیبی کارآمد از همه رویکردها و روش‌های موجود است و می‌تواند از تحقیقات اجتماعی متعارف فراتر رفته و امکان شناخت و ملاحظه همه لایه‌های امور به‌غایت پیچیده اجتماعی و سیاسی را برای پژوهشگران فراهم آورد.

عنایت‌الله بر این نکته تأکید می‌کند که در تحلیل امور و کنش‌های انسانی و اجتماعی باید به دو بُعد «افقی» و «عمودی» توجه داشت. بُعد افقی، بیانگر تکثر موجود در جهان‌بینی‌ها، دیدگاه‌ها و گفتمان‌ها و بُعد عمودی، نشانگر ساختارها و لایه‌های زیرین تجربه‌های اجتماعی و فرهنگی است. در بعد افقی شاهد تفاوت دیدگاه‌ها درباره صورت مسئله، راه حل آن و مسئول حل آن هستیم. اما در بعد عمودی ریشه‌های عمیق هر یک از دیدگاه‌ها را مشاهده می‌کنیم. یک رویکرد کاملاً افقی واقعیت را تنها بازتاب عوامل انفسی و محصولی اجتماعی می‌بیند. عنایت‌الله، که علاقه‌ای به این نوع نسبی‌گرایی افراطی ندارد، تکثر دیدگاه‌ها را می‌پذیرد، اما علاقه‌مند به کشف لایه‌های عمیق‌تر دیدگاه‌های مختلف است. از همین رو روشی را پیشنهاد می‌کند که هر دو بعد افقی و عمودی را پوشش دهد بنا به نوشته خود او بنابراین روش تحلیل علی لایه‌ها رویکردهای تجربی و تفسیری را در کنار هم می‌بیند و هر دو آن رویکردها را «در امتداد یک پیوستار»^۱ در نظر می‌گیرد (Inayatullah, *ibid*) همچنین بنگرید به خزایی؛ جلیلود؛ نصراللهی وسطی، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۵).

روش تحلیل علی لایه‌ها، تلفیقی از سه گونه متفاوت آینده‌پژوهی است. نخست، آینده‌پژوهی تجربی که معطوف به پیش‌بینی امور از طریق کشف روابط میان پدیده‌های طبیعی یا اجتماعی، پیش‌بینی، تعمیم و اعمال کنترل بر وقوع رویدادها و روندهای آینده است. مفروض این گونه از آینده‌پژوهی، وجود یک جهان متعین است؛ بنابراین، در آن بیش‌تر از روش‌های خطی پیش‌بینی استفاده می‌شود. دوم، آینده‌پژوهی تفسیری که ناظر به فهم ذهنیت کنشگران از طریق تمرکز و تعمق در نظام معناساختی و زبان‌شناختی مسلط در میان گروه‌ها و جوامع مورد مطالعه است. هدف اصلی این گونه از آینده‌پژوهی، نه پیش‌بینی، بلکه شناخت و درک انگیزه‌ها و نیات کنشگران است. در این آینده‌پژوهی، انسان به‌منزله کارگزار اصلی خلق معرفت تلقی می‌شود اما هم‌زمان به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری این معرفت نیز توجه می‌شود. سوم، آینده‌پژوهی انتقادی که معطوف به تبارشناسی و شالوده‌شکنی نظام‌های معرفتی مسلط است. هدف اصلی این گونه آینده‌پژوهی به چالش کشیدن پیش‌فرض‌ها و روش‌های تحلیل آینده است. به عبارت روشن‌تر، در این گونه از آینده‌پژوهی دغدغه و نگرانی پژوهشگر پیش‌بینی آینده و یا فهم کنشگران نیست بلکه برملا کردن روابط قدرت و نظام‌های سلطه نهفته در گفتمان‌های اجتماعی و علمی است که به شناخت ما از وضع موجود و تصور ما از آینده شکل می‌دهند.

به هر حال مهم‌ترین مزیت تحلیل علی لایه‌ها، فراهم کردن امکان توجه به همه ابعاد و حوزه‌های دخیل در امور و پدیده‌های انسانی و اجتماعی؛ همچنین تنظیم ترتیب و توالی - های روش‌شناختی برای بررسی هر یک از این ابعاد و حوزه‌ها و سرانجام، امکان استفاده از انواع رویکردهای تجربی، تفسیری و انتقادی در مطالعه آینده است. چنین جامعیت، تنوع و کارآمدی در هیچ‌یک از روش‌های شناخته‌شده آینده‌پژوهی، اعم از کمی و کیفی، دیده نمی‌شود. حتی روش‌های مطرح در رویکردهای مرکب نظیر رویکرد ساختاری- کارکردی، رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی و حتی رویکرد سیستمی صرفاً به ابعاد عینی،

لایه‌های ساختاری و جلوه‌های جمعی امور و پدیده‌های اجتماعی بسنده می‌کنند. رویکرد - های کیفی نظیر پدیدارشناسی و تحلیل گفتمان نیز عمدتاً بر ابعاد ذهنی و جلوه‌های زبانی امور و پدیده‌ها متمرکز هستند.

چیستی دولت و ویژگی‌های آن

وجه مشترکی که در نظریات مختلف دولت وجود دارد این است که دولت پدیده‌ای پیچیده و چند لایه‌است. ظاهری ترین لایه دولت را می‌توان در اقدامات و سیاست‌های روزمره آن مشاهده کرد که خود را در میزان کارآمدی دولت نشان می‌دهد. پژوهشگرانی چون میگدال و اسکات این لایه از دولت را در آثار خود به تصویر می‌کشند (میگدال، ۱۳۹۵ و اسکات، ۱۳۹۹). لایه دوم و عمیق‌تر دولت را می‌توان در وجه ساختاری آن نظیر ترتیبات نهادی و هنجارها و سازوکارهای مربوط به دستگاه‌های قانونگذاری، اجرائی و قضائی جستجو کرد که بیانگر میزان انسجام و همگرایی نهادهای سیاسی است. دیوید ایستون، نیکوس پولانزاس و رالف میلی‌بند این لایه از دولت را در آثار خود نشان داده‌اند (Eston, 1953; 1957, polantzas, 1968, 1978, Milliband 1969) لایه سوم دولت را می‌توان در نظام‌های معنایی یا گفتمان‌هایی جستجو کرد که سلطه سیاسی و به عبارت دیگر روابط مربوط به امر فرمانروایی و فرمانبرداری را موجه و القا می‌کنند. وضعیت این لایه خود را در میزان مشروعیت و مقبولیت دولت نشان می‌دهد. این لایه از دولت در آثار گرامشی، آلتوسر و فوکو به خوبی توضیح داده شده است (گرامشی، ۱۳۷۷؛ Baron, 2015 و فوکو، ۱۳۸۹) سرانجام این که لایه چهارم دولت در جهان بینی‌ها و اسطوره‌هایی نهفته است که ریشه‌های عمیق تاریخی دارند که غالباً در ناخودآگاه فردی و جمعی نهفته هستند. برخی آثار کاسیرر و دلوز به این لایه از دولت مربوطند (کاسیرر، ۱۳۶۲؛ خالقی دامغانی و جمشیدی، ۱۳۹۷)

تناسب و ظرفیت روش تحلیل علی لایه‌بندی شده برای حوزه دولت پژوهی تا آنجا که به حوزه آینده پژوهی مربوط است، غالب رویکردها و روش‌های رایج یا صرفاً به ابعاد عینی و کمی مربوط به رویدادها و پدیده‌ها توجه دارند و یا صرفاً به ابعاد ذهنی

نخبگان و کنشگران دخیل در آنها. برای مثال روش‌هایی چون تحلیل تأثیر روند،^۱ مدل‌سازی،^۲ تحلیل الگو،^۳ تحلیل محتوا^۴ و تحلیل ریخت‌شناسی^۵ اصولاً بر داده‌های عینی و تحلیل‌های کمی برای پیش‌بینی امور و تدوین سناریوهای آینده‌نگر استفاده می‌شود. همچنین روش‌هایی چون تحلیل اهداف،^۶ دلفی،^۷ گروه‌های کارشناسی^۸ و ذهن‌انگیزی^۹ بر داده‌های کیفی و ذهنیت کنشگران و یا نظرات کارشناسان و نخبگان متکی هستند.

البته هر یک از روش‌های مزبور از ظرفیت و مزایای خاصی برخوردارند اما تقریباً همه آنها برای امور و پدیده‌های نسبتاً ساده و جزئی نظیر آینده‌نگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های حرفه‌ای، تکنولوژی‌های خاص و حداکثر برای سیاست‌های داخلی و خارجی یک دولت خاص آن‌هم در یک دوره محدود تناسب و کارایی دارند. طبعاً این روش‌ها برای آینده‌نگری امور و پدیده‌های پیچیده و گسترده نظیر ساختارها و روابط اجتماعی، نظم‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی کارایی ندارند. حتی روش‌های مرکب (کمی-کیفی) آینده‌پژوهی نظیر تبارشناسی و تحلیل تأثیر متقابل نیز در مورد پدیده‌های که از یک سو حاوی ساختارها و روابط عینی پیچیده و چند لایه هستند و از سوی دیگر از کنش‌ها و گزینش‌ها جوامع مخالف یا گروه‌های اجتماعی بزرگ (با موقعیت‌ها و گرایش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت) متأثرند، چندان به کار نمی‌آیند.

برخی آثار آینده‌نگر که بر یک یا چند روش از روش‌های نامبرده متکی هستند، زمانی که وارد آینده‌شناسی پدیده‌های پیچیده نظیر نظم‌های کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شده‌اند بیشتر به خیال‌پردازی‌های رمانتیک و یا فیلم‌های تراژیک راه می‌برند. عنایت‌الله، این نوع آینده‌پژوهی‌ها را با عناوینی چون لایه‌ی نگر، ظاهرین، ساده‌انگار و اغراق‌آمیز می‌نامد و آثاری چون موج سوم و شوک آینده (آلویس تافلر) را نمونه‌هایی از این آثار معرفی می‌کند (عنایت‌الله، ۱۳۸۸: ۲۲۶).

1Trend Impact Analysis
 2Modelling
 3Pattern Analysis
 4Content Analysis
 5Morphological Analysis
 6Goals Analysis
 7Delphi Method
 8Focus Groups
 9Brain Storming

به نظر می‌رسد روش تحلیل علی لایه‌ای از ظرفیت بسیار بالائی برای آینده پژوهی دولت برخوردار است.

با وجود همه ظرفیت‌ها و مزیت‌های نامبرده، روش تحلیل علی لایه‌بندی‌شده، حتی برای دولت پژوهی نیز خالی از نارسائی نیست. آینده‌پژوهانی همچون کریس ریدی، پیتز همستون، ریچارد اسلاتر^۲ و مارکوس باربر^۳ انتقاداتی جدی به این روش وارد ساخته‌اند.^۴ برای مثال، باربر ضمن تأکید بر ظرفیت‌ها و کارآمدی‌های این روش، آنرا «بیش از حد پیچیده»، «دارای محدودیت ذاتی برای تبدیل شدن به مدل» و «فاقد رویکردی همگرا به تحقیق» می‌داند که «برای پر کردن شکاف‌های خود نیازمند روش‌های دیگر است» (Barber, 2010: 171). علاوه بر موارد بالا، نارسائی‌های دیگری نیز در روش تحلیل علی لایه‌هادیده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر این روش در هر دو بُعد شناختی و هنجاری با اشکال و کمبود روبروست.

الف: در بُعد شناختی، نخستین مشکل روش تحلیل علی لایه‌ها به تفاوت‌های دیدگاهی و گاه پارادایمی لایه‌های چهارگانه و ناسازگی داده‌ها و یافته‌های هر یک از این لایه‌ها مربوط است. داده‌ها و یافته‌های کمی برآمده از لایه اول پژوهش تا حدودی از عینیت و بی‌طرفی برخوردارند؛ اما پژوهش در لایه دوم، متکی به پذیرش مفروضه‌های خاصی نظیر وجود «روابط ساختاری» میان تمام پدیده‌های اجتماعی و نقش تعیین‌کننده این روابط در موجودیت و تحولات آن پدیده‌هاست. این در حالی است که چنین مفروضه‌هایی در علوم اجتماعی همواره محل اختلاف و مناقشه بوده‌است؛ برای مثال، یک پژوهشگر «فردگرا» یا «کنش‌گرا» ممکن است با چنین مفروضه‌هایی همدلی چندانی نداشته باشد و نیازی هم به

1Peter Hampson
2Richard Slaughter
3Marcus Barber

۴ ر ک:

Riedy, Chris (2008) "An Integral extension of causal layered analysis" *Futures*, 40(2):150-159.

Hampson, Gary Peter (2010) "Futures of integral futures: An analysis of Richard Slaughter's analysis of Causal Layered Analysis" *Futures*, 42(2):134-148.

Slaughter, Richard (2008) "what difference does integral make?" *Futures*, 40, 120-137.

تحلیل ساختارها نبیند. این وضعیت به‌ویژه در مطالعات آینده‌نگر در حوزه تکنولوژی‌های جدید قابل مشاهده است. این مشکل در لایه‌های سوم و چهارم بیشتر است. دوم این‌که، روش تحلیل علی لایه‌ها کمتر فنی است و مباحث نظری، کیفی و گفتمانی در آن، جایگاهی معادل ریاضیات در روش‌های تجربی پیدا می‌کند. در این روش، از یک سو، یافته‌های لایه لیتانی به خودی خود فاقد اعتبار شناختی تلقی می‌شود و فقط با سنجش بر اساس یافته‌های لایه‌های بعدی اعتبار می‌یابد. از سوی دیگر، طبق آن دسته از دیدگاه‌های نظری که مبنای بررسی و تحلیل در این لایه‌ها هستند، یعنی نظریه‌های ساختارگرا، پساساختارگرا، اسطوره‌شناختی و روانکاوی اجتماعی، پژوهشگر نیز بخشی از واقعیت مورد بررسی محسوب می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در این لایه‌ها، پژوهشگر خود در درون پارادایم، گفتمان و جهان معنایی واستعارای خاصی زیست می‌کند و چندان نمی‌تواند از آن‌ها جدا شود. بنابراین، در این لایه‌ها، امکان شناخت عینی و گاه حتی بین‌الذاتی در مورد پدیده مورد بررسی وجود ندارد.

سوم این‌که، داده‌ها و تکنیک‌های تحلیل در لایه‌های سوم و چهارم این روش، در مقایسه با روش‌های تجربی از تعین و قابلیت انتقال و تکرار چندانی برخوردار نیستند. در روش‌های تجربی، پیش‌نگری به حوزه‌ای تخصصی تبدیل شده که روش‌ها و فنون آن به صورت حرفه‌ای قابل اکتساب است. در آن روش‌ها پژوهشگر در یک مسیر معین خطی و مطابق تکنیک‌های پژوهشی مشخصی هدایت می‌شود و با موضعی بی‌طرفانه و زبانی خنثی با متغیرها و داده‌ها مواجه می‌شود. در آن روش‌ها تحلیل‌هایی که ارائه می‌شود مبتنی بر داده‌های عینی و تکنیک‌های مشخص و ریاضی‌گونه‌ای است که قابل بازبینی و تکرار هستند. در حالی که در روش تحلیل علی، پژوهشگر بسته به درک خاص خود از ابعاد متعدد یک پدیده و یا ارتباط آن پدیده با پدیده‌های بیشمار دیگر، ممکن است به صورت گزینشی و حتی سلیقه‌ای با داده‌های موجود روبرو شود و یا در یافتن و توضیح این ابعاد و روابط بیشمار دچار سردرگمی و خطا گردد.

چهارم این‌که، در روش تحلیل علی لایه‌ها، یافته‌ها از پایداری چندانی برخوردار نیستند زیرا جهت‌گیری بررسی‌ها معطوف به فرایندها است؛ به‌عبارت‌دیگر، پژوهشگر با فضائی نامتعین روبروست که در آن نه فقط داده‌ها دائماً در حال تغییرند بلکه تمایز میان متغیرهای

وابسته و مستقل نیز از میان می‌رود، چراکه تمام لایه‌ها (کمی-کیفی) به صورت «هم‌زمان» در نظر گرفته می‌شوند. گستره و دامنه داده‌های مورد کندوکاو در این روش بسیار وسیع است؛ زیرا پژوهشگر ملزم است که از لایه داده‌های مشهود فراتر رود و به هزارتوی معناهای پنهان در واقعیت نفوذ نماید. به این ترتیب، گونه‌ای چند سو‌نگری و پراکندگی در بررسی موضوع شکل می‌گیرد. بنابراین در این روش، تعین و تعمیم‌پذیری یافته‌ها چندان ممکن نیست و ماهیت پویای تحقیق در سطوح کیفی مانع ساختمانندی و پایایی نتایج می‌شود (Center for Strategic Futures, 2013: 19). خلاصه این که در این روش، ذهنیت و موقعیت پژوهشگران تأثیر تعیین‌کننده‌ای در استنباط آنان از واقعیت دارد.

ب: در بُعد هنجاری، روش تحلیل علی لایه بندی شده با مشکلات و کمبودهای بیشتری روبروست. نخست این که، تمرکز این روش بر تشریح واقعیت است. فلسفه وجودی و هدف هر یک از لایه‌های پژوهش در این روش این است که یافته‌های مراحل و لایه‌های پیشین مورد بازبینی انتقادی قرار گیرد و پژوهشگر هرچه بیشتر به عمق واقعیات نفوذ کند و شناخت عمیق‌تری از آن به دست دهد.

دوم این که، با توجه و دقت در اهداف، تکنیک‌ها، ابزارها، منابع اطلاعات و کنشگران دخیل در این روش، آنگونه که در جدول شماره ۲ آمده است، این تصور قوت می‌گیرد که گویا این روش رسالت اصلی خود را شناخت دقیق و عمیق وضع موجود می‌داند و حداکثر این که، امکان‌هایی هم برای شناسایی روندهای احتمالی آینده برای پژوهشگر فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر، در جغرافیای خاص این روش، جای چندان روشنی برای پیش‌بینی آینده و مهمتر از آن برای تدوین سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب آن‌هم بر اساس روش‌ها و تکنیک‌های خاص این روش دیده نمی‌شود. به همین دلیل است که عنایت‌الله و پیروانش در این جنبه از پژوهش‌های خود از دیگر روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی نظیر سناریو سازی استفاده می‌کنند. اصولاً در این روش قرار بر این است که در هر لایه سناریوهای متناسب با آن لایه طراحی و تدوین شود.

سوم این که، در این روش، مرحله شناخت همه جانبه و عمیق وضع موجود پدیده‌ها و مسائل اجتماعی مورد نظر، آنچنان پیچیده و دشوار است که به زمانی کم و بیش طولانی نیاز دارد و چنانچه یک آینده پژوه موفق به اجرا و انجام دقیق چنین کاری شود، با اصولاً

فرصت و انرژی چندانی برای مراحل بعدی (آینده‌نگاری و ارائه سناریوهای ممکن و مطلوب) باقی نمی‌ماند و یا چه بسا تغییرات حادث در موضوع مورد بررسی، بخشی از یافته‌های او (به ویژه در مورد لایه‌های اولیه) کم و بیش از صحت یا حیز انتفاع خارج شود. به همین دلایل است که در برخی پژوهش‌های دانشگاهی که با این روش انجام شده، از مراحل و لایه‌های پیچیده، به ویژه لایه چهارم صرف‌نظر می‌شود. 'عنایت‌الله، تلویحاً به این کمبود و برخی پیامدهای آن اذعان می‌کند؛ آنجا که می‌گوید: چند سو‌نگری روش او به‌ویژه برای تجربه‌گرایان که جهان واقعیت را با عنوان «درست» یا «نادرست» قلمداد می‌کنند (به‌جای اصرار در ورود به لایه‌های واقعیت) ناپسند می‌نماید و پژوهشگران تازه‌کار نیز مجبور خواهند شد بیشتر توان خود را مصروف طبقه‌بندی داده‌های گسترده و متنوع در مورد واقعیت کنند و این وضعیت، ممکن است خلاقیت درونی آن‌ها را کاهش دهد (Inayatullah, 1998: 17-18).

چهارم و سرانجام این‌که، در روش تحلیل علی لایه‌ها، مطالعات آینده‌پژوهی به امری صرفاً شناختی و علمی فروکاهیده می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در این رویکرد علاوه بر جای خالی تکنیک‌ها و ابزارهای خاص لازم برای دستیابی به ابعاد آینده‌نگرانه و آینده‌نگارانه پژوهش، که در سطور بالا به آن‌ها اشاره شد، جای خالی مباحث مشخص در مورد مبانی هنجاری و اخلاقی آینده‌پژوهی به چشم می‌خورد. این در حالی است که به تعبیر یکی از آینده‌پژوهان، آینده‌پژوهی «یک پروژه سیاسی، اخلاقی، هنری و مبتنی بر مشارکت گسترده جمعی» و در واقع شکلی از «دمکراسی پیشدستانه» است (دی تور، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

نتیجه‌گیری

روش تحلیل علی لایه‌بندی شده در پاسخ به نارسائی‌های دو رویکرد روش‌شناسی رقیب در علوم اجتماعی سده بیستم میلادی، یعنی رویکردهای اثباتی و تفسیری مطرح شد. مبدع این روش، سهیل عنایت‌الله، مدعی است که موفق شده است ترکیبی کارآمد از دستاوردها و تکنیک‌های موجود در سنت‌های اثباتی و تفسیری و روش‌های کمی و کیفی و همچنین

۱ - این وضعیت در برخی رساله‌های دانشجویان کشور ما که از این روش استفاده کرده‌اند دیده می‌شود. برای نمونه بنگرید به:

بصیرت‌های نهفته در رویکردهای انتقادی، پسا‌ساختاری و مطالعات فرهنگی را در روش خود به کار گیرد. او همچنین مدعی است که این روش به شناختی همه‌جانبه و عمیق از وضعیت کنونی منجر خواهد شد و در پرتو چنین شناختی، امکان بیشتری برای ارائه چشم‌اندازهای معقول در مورد آینده فراهم خواهد آمد. به همین دلیل او روش خود را در زمره روش‌های آینده‌پژوهی قرار می‌دهد. او بر این باور است که واقعیت‌امور و پدیده‌های انسانی و اجتماعی بسیار پیچیده است و شناخت آن دست کم نیازمند بررسی چهار لایه است. این کار باید از لایه‌های پایه‌ای و آشکار واقعیت که در ابعاد محسوس و داده‌های کمی جلوه‌گر است آغاز شود و سپس به لایه‌های نامحسوس ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی برسد؛ آنگاه به لایه‌های پنهان جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌های مسلط و سرانجام به لایه‌های ناخودآگاه نهفته در استعاره‌ها و اسطوره‌ها ختم شود. طبق این روش، هر یک از لایه‌های مزبور، بر اساس روشی متناسب مورد بررسی قرار می‌گیرد. لایه اول و دوم سرشتی کم‌وبیش عینی دارند. بنابراین نیازمند داده‌های عینی، روش‌های کمی و تحلیل‌های آماری یا ساختاری هستند. لایه‌های سوم و چهارم اما سرشتی کم‌وبیش ذهنی دارند و بنابراین نیازمند داده‌های ذهنی، روش‌های کیفی و تحلیل‌های تفسیری و معناشناسانه هستند.

روش تحلیل علی لایه‌ها با توجهی که به‌طور هم‌زمان به ابعاد و لایه‌های مزبور دارد، از ظرفیت زیادی برای شناخت وضعیت موجود و عوامل و متغیرهای عینی و ذهنی دخیل در آینده دولت به‌طور کلی و چه در جوامع خاص برخوردار است. مزیت اصلی این روش این است که پژوهشگر را به گذر از «تمرکز بر یک روایت» به «روایت‌های مختلف» وامی‌دارد و به همین دلیل شناختی عمیق و قابل اتکاء به دست می‌دهد. چنین شناختی به نوبه خود می‌تواند به شناسایی معتبر و معقولی از سمت‌وسو، روندها و چشم‌اندازهای آینده دولت کمک کند؛ اما گویا رسالت این روش عملاً در این‌لایه از مطالعات آینده‌نگرانه متوقف می‌شود؛ زیرا به روشنی مراحل یا تکنیک‌های خاصی برای طرح تصویرهای دقیق از آینده‌های ممکن دولت و محتمل و به‌ویژه برای ترسیم آینده‌های مطلوب دولت ارائه نمی‌دهد.

به‌طور کلی روش تحلیل علی به کار شناخت عوامل و نیروهای دخیل در وضعیت فعلی و فضاهاى احتمالى تحولات آتی دولت می‌آید و اصولاً نسبت به ابعاد هنجاری و تجویزی آینده‌پژوهی این پدیده (دولت) ناتوان و یابی تفاوت است. از این رو، نمی‌توان آن را روشی کامل برای آینده‌پژوهی دولت دانست. با وجود این، دستاوردهای این روش چنانچه با ظرفیت‌های موجود در دیگر روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی قرار گیرد می‌تواند حوزه دولت‌پژوهی را قوت و اعتبار بیشتری ببخشد.

نتیجه این که رویکرد تحلیل علی لایه‌ها در شکلی که از سوی عنایت‌الله تدوین و ارائه شده است، گرچه بر ابعاد شناختی متمرکز است و در سطوح شناسائی و تحلیل عوامل و متغیرهای دخیل در روندها و چشم‌اندازهای آینده حرکت می‌کند اما اولاً ظرفیت‌ها و انعطاف زیادی برای بسط و تکمیل، به‌عنوان یک روش کامل و جامع برای آینده‌پژوهی دولت دارد. ثانیاً در شکل و محتوای فعلی خود نیز می‌تواند ملزومات شناختی کافی را برای استفاده از دیگر روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی دولت که وارد سطوح هنجاری و تجویزی می‌شوند، نظیر سناریو سازی، تحلیل تأثیر روند، تحلیل الگوها و تحلیل چرخه - های آینده برای تدوین سناریوهای آینده نگر در حوزه دولت‌پژوهی فراهم سازد. همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و پویائی‌های این رویکرد، این امکان نیز وجود دارد که این روش در جریان کاربرد و عمل و در تعامل با دیگر روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی، نظیر پس‌نگری، ریخت‌شناسی و روندپژوهی، واکاوی پیشران‌ها، چشم‌انداز سازی و سناریو سازی تکمیل شود و به نوبه خود موجب ابداع تکنیک‌ها و ابزارهای جدیدی برای آینده‌نگری و آینده‌نگاری در حوزه دولت‌پژوهی شود.

منابع

- اسکات، جیمز سی. (۱۳۹۹) حکومت‌ها چگونه به دنیا می‌نگرند؟ ترجمه اصلاان قودجانی. تهران: فرهنگ صبا
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۷) طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- پیش قدم، رضا؛ آیدا فیروزیان پوراصفهان‌ی و سحر طباطبایی فارانی «آینده پژوهشی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان» مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. سال ۱۸ شماره ۳۴ (پاییز) صص ۹۶ - ۱۲۰.
- خالقی دامغانی، احمد و محسن جمشیدی (۱۳۹۷) «بازسازی نظریه دولت نزد دلوز» فصلنامه دولت پژوهی. سال ۴ شماره ۱۵ (پاییز) صص. ۱۶۱-۱۳۷.
- خزایی، سعید؛ جلیوند، محمدرضا؛ نصراللهی وسطی، لیلا (۱۳۹۲) «بررسی نظری روش تحلیل علی لایه بندی شده در حوزه آینده پژوهی» مطالعات آینده پژوهی، سال دوم، شماره ۶ (تابستان) ۷۱-۱۰۲.
- خزائی، سعید، علیرضا نصرتی و فاطمه تکلوی (۱۳۹۴) «واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها» فصلنامه چشم انداز مدیریت. شماره ۲۱ (بهار) صص. ۴۱-۲۶
- دی تور، جیمز (۱۳۷۸) «آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی» ترجمه عقیل ملکی فرو سید احمد ابراهیمی. مجله رهیافت، شماره ۲۰ (بهار)، ۱۰۷-۱۰۲.
- عطاری، مازیار [و همکاران] (۱۳۹۳) روش‌های آینده‌نگاری. تهران: نشر رویش.
- عنایت اله، سهیل (۱۳۸۸) تحلیل علی لایه‌ای، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- فوکو، میشل (۱۳۸۹) تولد زیست سیاست، درسگفتارهای کلژ دوفرانس ۱۹۷۸-۱۹۷۹، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: نشر نی
- قائدی، محمدرضا و علیرضا گلشنی (۱۳۹۴) «آینده پژوهی روند همگرایی و وحدت دنیای اسلام» تحقیقات سیاسی بین‌المللی (فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا) شماره بیست و سوم (تابستان) صص 12 - 1
- گرامشی، آنتونیو (۱۳۷۷) دولت و جامعه مدنی. ترجمه عباس میلانی. تهران: جاگرمی.
- مقدم، محمد حسینی (۱۳۹۰) «کاربرد آینده پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه‌لایه علت‌ها» فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۶. صص. ۱۸۸-۱۶۹.

References

- Shahroudi, F. (1401) "Reasons for the tendency of art graduates to post-graduate studies in Iran" *Fine Arts - Visual Arts*. No. 91 (Fall) pp. 15-25.
- Barber, Marcus (2010) "Solving the futures challenge-all you need is a CLA" *Futures*. Volume 42, Issue 2, March 2010, 170-173.
- Centre for Strategic Futures (2013) "Causal Layered Analysis Project: An Inter-agency Project to Explore the Socio-economic Aspirations of Singaporeans" Available at: <http://www.soif.org.uk/wpcontent/uploads/2013/09/Causal-Layered-Analysis-Project-Report-final.pdf>
- Hampson, Gary Peter (2010) "Futures of integral futures: An analysis of Richard Slaughter's analysis of Causal Layered Analysis" *Futures*, 42(2):134-148. Available at: http://proutglobal.info/slideshows/training/Related%20web%20pages/002-Casual_Layered_Analysis.pdf
- Inayatullah, Sohil (1998) "Causal layered analysis: post structuralism as method" *Futures*, 30(8): 815-829.
- _____ (2006) "Anticipatory action learning" *Futures*, VOL 38. (656-666).
- _____ (2002) *Questioning the future: Futures studies, action learning and organizational transformation*. Taipei, Taiwan: Tamkang University.
- _____ (2009) *Causal Layered Analysis Project an inter-agency project to explore the socio economic aspirations of Singaporeans*. Centre for Strategic Futures, Public Service Division.
- _____ (2004 a) "Causal layered analysis: Theory, historical context, and case studies" In S. Inayatullah (Ed.) *the Causal Layered Analysis Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology* Taiwan: Tamkang University Press.
- _____ (1998) "Exploring the Futures of the Ummah: A Review of Simulation Models and Approaches to the Study of Alternative Futures" *American Journal of Islamic Social Sciences*. No. 15, Vol. 1.
- _____ (2007) *Questioning the future* (3rd Edition) Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.

_____ (2008) "Six pillars: futures thinking for transforming"
Foresight, VOL. 10 NO. 1.

_____ (Ed) (2004 b) *The causal layered analysis (CLA) reader*.
Taipei; Taiwan: Tamkang University Press.

Slaughter, Richard (2008) "What difference does integral make?" *Futures*,
40: 120-137.

Riedy, Chris (2008) "An Integral extension of causal layered analysis"
Futures, 40(2):150-159.

Easton, D, (1953) *The Political System: An Inquiry in to the State of Political
Science*. New York, Alfred A. Knopf, Inc

----- (1957) "An Approach to the Analysis of *Political Systems*"
World Politics, Vol. 9, No. 3 (Apr), pp. 383-400.

Baron, Paula (2015) "Althusser's mirror: lawyer distress and the process of
interpellation" *Griffith Law Review*, Vol. 24, No. 2, 157-180, Available
at: <http://dx.doi.org/10.1080/10383441.2015.1028125>

Translated References into English

Scott, J. (2020) How do governments see the world? Translated by Alan
Ghodjani. Tehran: Farhang Saba [In Persian].

Blakey, N. (2008) Social research design. Translated by Hasan
Chavoushian. Tehran: Ney Publisher [In Persian]

Pishghadam, R.; A. Firoozian Esfahani; S. Tabatabaei Farani (2014) "The
future research of Persian language teaching to non-Persian speakers"
research and writing academic books. Vol.18; No 34. (Autumn) pp 96-120
[In Persian]

Khaleghi Damghani, A.; M. Jamshidi (2018) "Reconstruction of the theory
of the state according to Deleuze". *State Studies*. Vol 4. NO 15 (Autumn)
pp. 137-163. [In Persian]

Khazaei, S.; M. R. Jalilvand; L. Nasrolahi Vosta, (2011) "Theoretical
review of layered causal analysis method in the field of future research"
Future Studies; Vol 2. No. 6 (Summer) pp. 71-102. [In Persian]

- Khazaei, S.; A. Nosrati; F. Taklavi (2013) "Analysis of Avatarism Phenomenon with the Method of Layered Analysis of Causes" Perspective of Management. No. 21 (Spring) 26-41 [In Persian]
- De Tour, J. (1999) "Future research as an applied knowledge" Translated by A. Malekifar; S. A. Ebrahimi. Approach. No. 20 (Spring) 102-107. [In Persian]
- Attari, M. [and Other] (2014) Methods of Foresight. Tehran: Royesh.
- Diba, F. et al. (2019) "Future Studies analysis of academic elite's reverse skills" Strategy. No. 95 (summer) pp. 113-137
- Marzban, E. et al. (1401) "Pathology of educational approaches in government organizations based on causal layered analysis "Educational Leadership Research. No. 22 (summer) pp. 21-67.
- Enayatollah, S. (2009) Causal Layered Analyses. Translated by M. Monzavi. Tehran: Defense science and technology future research center. [In Persian]
- Foucault, M. (2010) The birth of the Biopolitics, Dufranc College lectures 1978-1979, translated by R. Najafzadeh, Tehran: Ney publication. [In Persian]
- Qaedi, M. and A. Golshani (2014) "The Future of Researching the Process of Convergence and Unity of the Islamic World" International Political Research (Open Islamic University Shahreza Quarterly) No. 23 (Summer) pp. 1-12. [In Persian]
- Gramsci, A. (1377) State and Civil Society. Translated by A. Milani. Tehran: Jajarmi. [In Persian]
- Moghadam, M.H. (2018) "The use of future research in political science based on causal layered analysis " Quarterly Journal of Political and International Approaches, No. 26, pp. 188-169. [In Persian]

استناد به این مقاله: دلاوری، ابوالفضل، قنواتی، نگار. (۱۴۰۳). روش‌شناسی دولت‌پژوهی؛ ارزیابی تناسب تحلیل علی‌لایه‌بندی شده (CLA) برای آینده‌پژوهی دولت، دولت‌پژوهی، ۱۰(۳۷)، ۱۷۱-۲۰۲.

Doi: <https://doi.org/10.22054/tssq.2024.68565.1269>



The *State Studies Quarterly* is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License